



نکته ۳: کدام حیوانات مأکول اللحم هستند؟

۱. اینکه اکل کدام حیوانات (حیوانات دریایی و غیر دریایی و همچنین پرندگان و غیر پرندگان) حلال است و اکل کدام حرام است، بحثی است که باید آن را در مباحث اطعمه و اشربه بررسی کرد.

۲. فی الجمله^۱ می‌توان گفت که:

الف) در حیوانات دریایی، غیر از ماهی فلس‌دار، مابقی حیوانات دریایی، حرام گوشت هستند.
ب) و در غیر پرندگان خشکی:

اگر اهلی باشند: غنم، گاو، شتر، اسب، قاطر و حمار بالکراهه) حلال گوشت هستند و غیر آنها مثل سگ، گربه و ... حرام گوشت هستند.

و اگر وحشی باشند: درندگان (شیر و پلنگ و ...) که پنجه (ظفر) و دندان نیش (ناب) و خرگوش حرام گوشت هستند و همچنین حشرات و مسوخ (فیل، خرس، میمون و ...) حرام گوشت هستند و در مقابل آهو و گاو وحشی و بز کوهی و ... حلال گوشت هستند.

ج) در پرندگان: اگر یکی از دو ویژگی موجود باشد، پرنده حلال گوشت است:

یک) دارای چینه‌دان (حوصله) یا سیخک پا (صیصیه) یا سنگدان (قائصه) باشد.

دو) مقدار باز بودن بال در هنگام پرواز (صفیف) از بال زدن در هنگام پرواز (دیفیف) بیشتر باشد. [درباره جایی که یکی از این دو ویژگی باشد و دیگری نباشد، اختلافاتی در میان علما موجود است.^۲]

د) حیوانات حلال گوشت به عللی حرام گوشت می‌شوند:

یک) نجاست خوار شدن (جلل): اینکه حیوان فقط عذره انسان را بخورد (به گونه‌ای که عرفاً بگویند عذره تنها غذای او شده است)

همه حیوانات حلال گوشت (چه پرنده و چه ماهی و چه غیر آن) به سبب جلل حرام گوشت می‌شوند.

دو) موطوئه شدن حیوان (چه نر و چه ماده) به وسیله انسان (قُبلاً أو دُبِراً و ان لم ينزل)

چنین حیوانی حتی گوشت نسل او (که بعد از مقاربت حاصل آمده‌اند) هم حرام است.

این قسم را برخی همانند حضرت امام، مختص به بهائم (چهارپایان) می‌دانند.^۳

^۱ ن ک: تحریر الوسیله، کتاب اطعمه و اشربه، ص ۶۲۹

۲. مسأله ۹ لو تعارضت العلامتان كما إذا كان ما صفيقه أكثر من دفيقه ذا حوصلة أو قائصة أو صيصية أو كان ما دفيقه أكثر من صفيقه فاقتدا للثلاثة فالظاهر أن الاعتبار بالصفيف والدفيق، فيحرم الأول و يحل الثاني على إشكال في الثاني، فلا يترك الاحتياط و إن كان الحل أقرب، لكن ربما قيل بالتلازم بين العلامتين و عدم وقوع التعارض بينهما، فلا إشكال. [تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۸، کتاب الاطعمه و الاشربه]

۳. مسأله ۲۲ مما يوجب حرمة الحيوان المحلل بالأصل أن يطأه الإنسان قبلاً أو دبراً و إن لم ينزل، صغيراً كان الواطئ أو كبيراً، عالماً كان أو جاهلاً، مختاراً كان أو مكرهاً، فحلا كان الموطوء أو أثنى، فيحرم بذلك لحمه و لحم نسله المتجدد بعد الوطء على الأقوى في نسل الأثنى و على الأحوط في نسل الذكر، و كذا لبيهما و



سه) رضاع از شیر خوک

اگر گوساله و یا بزغاله و یا بره‌ای از شیر خوک تغذیه کند و با آن بزرگ شود، هم خودش و هم نسل او حرام گوشت می‌شود.

رضاع از سگ و یا انسان کافر چنین حکمی ندارد.

۳. توجه شود که مراد از مأكول اللحم، آن چیزهایی نیست که مردم و عرف می‌خورند بلکه آن چیزهایی است که حلال است خوردن آنها و شارع خوردن آنها را تجویز کرده است.

۴. همچنین توجه شود که مراد از مأكول اللحم، حیواناتی است که بعد از ذبح شدن و تزکیه شدن گوشتشان حلال است و اکل تمام حیوانات (الا شدّ و ندر) بدون ذبح، حرام است.

ادامه بحث:

پس از بررسی نکات مطرح شده، به استدلال برای طهارت و یا نجاست انواع بول و غائط اشاره می‌کنیم.

۱. مفتاح الکرامة می‌نویسد:

«قوله قدس سره) (البول و الغائط من كل حيوان ذی نفس سائلة غیر مأكول) إجماعاً فی (الخلاف و الغنية و المعتبر و المنتهى و التذكرة و كشف الالتباس و المدارك و الدلائل و الذخيرة) و فی (الناصریات و الروض و المدارك و الدلائل و الذخيرة) و فی (الناصریات و الروض و المدارك و الدلائل و الذخيرة) نقل الإجماع أيضاً على عدم الفرق بين الأرواث و الأبوال فیثبت حکم الأرواث بهذا و بالإجماعات الأول

و فی (التحریر و التذكرة و الذکری و البیان) لا فرق بین ما حرم لحمه بالأصل أو العارض و فی (الغنية) الإجماع على نجاسة خرو و بول مطلق الجلال و فی (المختلف و التنقیح و المدارك و الذخيرة) الإجماع على نجاسة ذرق الدجاج الجلال بل ظاهر (الذخيرة و الدلائل) الإجماع على نجاسة الجلال و الموطوء و كل ما لا يؤكل لحمه و فی (التذكرة و المفاتیح) نفی الخلاف فی إلحاق الجلال من كل حيوان و الموطوء بغير المأكول فی نجاسة البول و العذرة

و فی (المختلف) الإجماع على نجاسة بول الخفاش

و فی (المبسوط) طهارة جميع الطيور سوى بول الخفاش

صوفهما و شعرهما، و الظاهر أن الحكم مختص بالهيممة و لا یجرى فی وطاء سائر الحيوانات لا فیها و لا فی نسلها. [تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۱۶۰، کتاب الاطعمه و الاشربة]



و نقلت الشهرة على نجاسة بول الطيور الغير المأكولة و خربتها في (المعتبر و المختلف و نهاية الإحكام و الذكري و كشف الالتباس و الدلائل و المدارك و الذخيرة) و في (الروض) أن روايات التنجيس في الطيور أكثر و نص في (التذكرة و المعتبر و التحرير و المختلف) و غيرها ككتب الشهيدین و غیرهم أن حال الطیر حال غیره

و في (التذكرة) أن أحدا لم يعمل برواية أبي بصير يعنى الدالة على طهارة بول الطيور و خربتها و في (السرائر) قد وردت رواية شاذة لا يعول عليها أن ذرق الطيور طاهر مطلقا و المحقق عند محققى الأصحاب منا و المحصلین منهم خلاف هذه الرواية لأنه هو الذى تقتضيه أخبارهم التى أجمع عليها و ذهب الجعفی و الحسن و الصدوق فى (الفقيه) إلى القول بطهارة رجیع الطیر مطلقا و قد استثنى فى (المبسوط) بول الخفاش فقط كما مر

و عن أبی على القول بطهارة بول الصبى الذى لم يأكل اللحم مع أن السيد نقل الإجماع على نجاسة بول الصبى بخصوصه مضافا إلى ما مر

و فى (نهاية الإحكام و كشف الالتباس) لو زال الجلل زالت النجاسة^۱

[ارواث (جمع روث): مدفوع / رجیع: مدفوع (به معنای نشخوار شده هم آمده است) / خُء: مدفوع /

ذرق: فضله]

توضیح:

۱. بول و غائط حیوان دارای خون جهنده اگر حرام گوشت است نجس است، اجماعاً. [ظاهراً فرقی بین پرنده و غیر پرنده گذاشته نشده است]
۲. فرقی بین حرام گوشت بالاصاله و حرام گوشت بالعارض نیست، اجماعاً.
۳. علامه بر نجاست بول خفاش ادعای نجاست کرده است.
۴. شیخ در مبسوط می فرماید: بول و غائط پرندگان حرام گوشت جز خفاش اجماعاً پاک است.
۵. بسیاری، بر نجاست بول و غائط پرندگان حرام گوشت، ادعای اجماع کرده اند.
۶. یک روایت از ابی بصیر طهارت بول و غائط مطلق طیور را ثابت کرده است ولی کسی به آن فتوی نداده است.
۷. برخی بول و غائط همه طیور (چه حلال گوشت و چه حرام گوشت) را طاهر می دانند.
۸. برخی بول پسر بچه ای که گوشت نخورده را پاک می دانند و برخی نجس می دانند.

^۱ . مفتاح الكرامة (ط-قدیمة)، ج ۱، ص ۱۳۶

۹. در مورد جلّاله‌ها اگر جلیل مرتفع شود، نجاست هم مرتفع می‌شود.



درس خارج فقه استاد سید حسن خمینی